

## تشکیل و تحکیم خانواده از منظر قرآن

رحمان کاظمی نسب<sup>۱</sup>، عبدالصمد بهرام زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد تاریخ اسلام، فارغ التحصیل دانشگاه اصفهان

r.kazemi@gmail.com

### چکیده

خانواده از ابتدای زندگی بشری تا کنون، اساسی ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی در بین جوامع بوده که اصلاح و استحکام آن نقشی مؤثر و سازنده در اصلاح ملت ها داشته و بی شک اگر خانواده ها فاسد و سست باشند، حاصل آن جامعه ای سست خواهد بود. در محیط خانواده همه ی افراد از زن و مرد و فرزندان همه در شکل گیری شخصیت همدیگر نقش دارند و تأثیرپذیری محسوسی بر رفتار همدیگر می توانند داشته باشند. در این مقاله که با نگاهی قرآنی نوشته شده، ابتدا به جایگاه ازدواج و تشکیل خانواده در قرآن پرداخته شده، سپس ابعاد اجتماعی یا آثار اجتماعی تشکیل خانواده که شامل (جلوگیری از فساد، بقای نسل، ایجاد مودت و رحمت) می باشد بیان شده و سپس به بعضی از عوامل مؤثر در تحکیم خانواده پرداخته شد که عبارتند از: اعتماد و پرهیز از سوءظن، رازداری و وفاداری، گذشت و چشم پوشی، مهرورزی، صبر در مشکلات زندگی، ایمان و تقوی، شناخت حقوق و وظایف یکدیگر. در پایان نیز به یک نتیجه گیری از موضوع پرداخته شد.

**واژه های کلیدی:** خانواده، تحکیم، راهکار، قرآن کریم

## مقدمه

خانواده، اساسی ترین نهاد و مهم ترین رکن یک اجتماع می باشد، به خصوص در جامعه ی اسلامی، خانواده نقش مهم تر و وظایف خطیرتری دارد، بخش زیادی از تربیت نسل فردای هر جامعه به عهده ی خانواده می باشد. بنابراین، طبیعی است که محققان و پژوهشگران اسلامی توجهی خاص به این نهاد دارند، موضوع تشکیل و تحکیم خانواده از منظر قرآن، قطعاً بارها مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته و ما نیز با مراجعه به قرآن کریم و متون دینی اسلام سعی می کنیم از نگاهی دیگر این بحث را مورد کنکاش قرار دهیم، در این تحقیق اهمیت جایگاه خانواده در قرآن و همچنین راهکارهای حفظ بنیان خانواده و تحکیم آن بیان شده، هر چند به خاطر فشرده بودن موضوع تنها راهکارهای مهم و اساسی شرح داده شده اند.

روش پژوهش در این نوشته مراجعه به کتابخانه و استفاده از کتب تفسیری بوده و سعی شده از آیات قرآنی در بیان هر نکته ای نیز بهره ببریم، تا ارزش این نهاد مقدس از دیدگاه قرآن نیز بیشتر بیان شود. اهمیت بحث راهکارهای تحکیم خانواده از آن رو بیشتر احساس می شود که تبلیغات سوء دشمن، قصد سست کردن نهاد خانواده را داشته و سعی بر ترویج بی بند و باری و بی عفتی در جوامع به خصوص جوامع اسلامی را دارد. امیدواریم با تأسی و الهام گرفتن از کلام وحی، اندیشه ی بی دینان را خشکانده و اندیشه های قرآنی را جایگزین آن کنیم.

## تشکیل و تحکیم خانواده از منظر قرآن

ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، انسان از این حیث که موجودی اجتماعی است میل به ارتباط با دیگران دارد و تشکیل خانواده از نمونه های بارز ارتباط اجتماعی است، خانواده عاملی است تا در سایه ی آن بشر بتواند به خواسته ها و نیازهای خود پاسخ دهد، بقا و نسل بشر را باید بر پایه ازدواج و تشکیل خانواده دانست و از این روست که می بینیم خداوند متعال نیز بشر را به ازدواج و تشکیل خانواده تشویق می کند:

«و انکحوا الایمی منکم والصلحین من عبادکم و امائکم، ان یکونوا فقاء یغنیهم الله من فضله و الله واسعٌ علیم» مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

تعبیر «و انکحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری است و بسته به میل طرفین می باشد و مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ی ازدواج و بالاخره وساطت برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون کمک دیگران انجام پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هرگونه قدمی و سخنی و درمی (درهمی) در این راه را شامل می شود (مکارم شیرازی، ۳۷۱ش، ج ۱۴، ص ۴۵۷).

امروزه بعضی ها به بهانه هایی مثل نداشتن شغل و موقعیت مالی مناسب و بهانه های واهی و آرزوهای دست نیافتنی، از زیر بار ازدواج شانه خالی می کنند، ولی خداوند با این بیان خود راه را بر هر بهانه ای بسته و مسئولیت تامین نیازهای مادی و بهبود شرایط زندگی را خودش به عهده گرفته و خود را گشایش دهنده ی مشکلات معرفی می کند.

در روایات اسلامی نیز توجه ویژه ای به امر ازدواج شده است، بیانات پیشوایان دینی، در جهت ترغیب جامعه ی اسلامی بوده و افرادی که از این امر مقدس سر باز زده اند، مورد نکوهش قرار گرفته اند، رسول اکرم (ص) در حدیثی می فرماید: خیار امتی

المتاهلون و شرار امتی العزّاب» بهترین امت من، همسر داران هستد و شریرترین امت من عزب ها هستند. (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۱۵۶). (شعیری، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۰۲)

### ابعاد اجتماعی ازدواج

ازدواج و تشکیل خانواده علاوه بر رفع نیازهای روانی و جنسی فرد، دارای آثار و ابعاد اجتماعی نیز می باشد که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم.

#### الف - جلوگیری از فساد

خودداری از ازدواج و تأخیر انداختن آن در صورتی که فرد نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده دارد، زمینه را برای روابط جنسی نامشروع و غیرقانونی و خلاف اخلاق فراهم می آورد، شکی نیست که برآورده کردن نیازهای جنسی از ضروریات است و این امر از دیدگاه معارف اسلامی، تنها در سایه ی ازدواج صحیح می باشد، و برآوردن آن در غیر این صورت، چیزی جز پاشیدن بذر فساد در جامعه نمی باشد، خودداری از ازدواج درهای فساد و بی بندوباری را بر روی افراد باز نگه داشته و اخلاق و اصول انسانی را در کام خود فرو خواهد بود، امروزه، بسیاری از جوامع غربی که دچار انحطاط اخلاقی شده اند و فحشا و لابیگری، جزء لاینفک زندگی آنان شده، به خاطر نادیده انگاشتن ازدواج و ارزش تشکیل خانواده بوده است. بنابراین می توان گفت که وجود زن و مرد در کانون گرم خانواده راه را بر این گونه مسائل غیراخلاقی بسته و از آنها جلوگیری خواهد کرد و همانطور که قرآن می فرماید آنها پوششی برای یکدیگر در ممانعت از فحشا و فساد می باشند:

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ و انتم لباس لهنَّ» (بقره، آیه ۱۸۷)

«... آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها» (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)

در تفسیر این آیه گفته اند:

«ظاهر از کلمه ی لباس همان معنای معروفش می باشد. یعنی جامه ای که بدن آدمی را می پوشاند و این دو جمله از قبیل استعاره است، برای اینکه هر یک از زن و شوهر، طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد نوع جلوگیری می کند: پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن و زن ساتر مرد است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۶۴)

#### ب - بقای نسل

بشر برای ادامه حیات نیازمند به تولید و تکثیر نسل می باشد و این امر از دو راه امکانپذیر می باشد، یا از طریق آزادی های جنسی نامشروع، که بیشتر شبیه به زندگی حیوانی می باشد و عواقب ناهنجاری در پی دارد و یا از طریق ازدواج که امری عقلانی و سنتی بسندیده است، قرآن کریم، هم افرادی را که راه عقلانی تکثیر نسل را رها کردند و به بی بند و باری اخلاقی روی آوردند، مورد نکوهش قرار داده است، قوم لوط نمونه ی بارز انحطاط اخلاقی بوده اند. آنها راه طبیعی تکثیر نسل را رها کرده و به انجام اعمال ناپسند مورد علاقه ی خود می پرداختند.

قرآن کریم از قول حضرت لوط به آن ها بیان می کند:

«... انکم لتاتون الفحشه ماسبقکم بها من احدٍ من العلمین، ائنکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تأتون فی نادیکم المنکرَ...» (سوره مبارکه عنکبوت/ آیات ۲۹-۲۸).

«... شما عمل بسیار زشتی انجام می دهید که هیچ از مردم جهان، پیش از شما آن را انجام نداده است، آیا شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید و در مجلسان اعمال ناپسند انجام می دهید؟

می بینیم که قرآن کریم هم راه صحیح تداوم و تکثیر نسل انسان را ازدواج و تشکیل خانواده توسط زن و مرد می داند و بشر را از هر راهی، غیر از این راه درست، نهی می کند.

اصولاً طبیعت زن و مرد آن چنان آفریده شده که آرامش و اشباع سالم خود را در علاقه جنس مخالف (از طریق ازدواج سالم) می بینند و هرگونه تمایلات جنسی در غیر اینصورت، انحراف از طبع سالم انسانی و یک نوع بیماری روانی است که اگر به آن ادامه داده شود روز به روز تشدید می گردد و نتیجه اش بی میلی به جنس مخالف و اشباع ناسالم از طریق «جنس موافق» است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۲۵۷). روشن است در چنین شرایطی، نه تنها نسل تولید و تکثیر نمی شود بلکه جامعه ی انسانی رو به سوی انقراض و نابودی خواهد گذاشت و حیات انسانی تباه خواهد شد، لذا برای جلوگیری از چنین فاجعه ای، اسلام راه صحیح ازدواج و تشکیل خانواده را پیش روی انسان گذاشته تا با تکیه بر آن بشر به شکوفایی و رشد برسد، و خداوند متعال این امر را نیز گوشزد کرده و می فرماید:

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً...» (سوره مبارکه نحل / آیه ۷۲). خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه هایی بوجود آورد.

### ج- ایجاد مودت و رحمت

هر انسانی خواهان پذیرش از سوی دیگری می باشد و نیاز دارد که مورد مهر و محبت دیگران قرار بگیرد و اینکه دیگران او را دوست داشته باشند. ازدواج و تشکیل خانواده، گامی مؤثر در راستای برآورده کردن این نیاز انسان می باشد، آنچنان که قرآن کریم هم این مسئله را بیان می کند:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره مبارکه روم / آیه ۲۱)

و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

یکی از روشن ترین جلوه گاهها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه ی کوچک خانواده است، چون زن و مرد در محبت و مودت ملازم یک دیگرند و می بینند که طفل صغیرشان نمی تواند نیازهای ضروری خود را تأمین کند، لذا آن محبت و مودت وادارشان می کند که در حفظ حراست و تغذیه، لباس، منزل و تربیت او بکوشند، اگر این رحمت نبود نسل به کلی منقطع می شد و هرگز نوع بشر دوام نمی یافت. (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۵۰).

مسأله ی مودت و رحمت در حقیقت ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه ی انسانی است، چرا که جامعه از فرد فرد انسان ها تشکیل شده است، همچون ساختمان عظیم و پرشکوهی که از آجرها و قطعات سنگ ها تشکیل می گردد، اگر این افراد پراکنده و آن اجزای مختلف با هم ارتباط و پیوند پیدا نکنند، جامعه یا ساختمانی بوجود نخواهد آمد، آن کسی که انسان را برای زندگی اجتماعی آفریده است، این پیوند و ربط ضروری را نیز در جان او ایجاد کرده است. (مکارم شیرازی ۳۷۱، ج ۱۶، ص ۳۹۲).

مودت و رحمت را می توان از ارکان یک زندگی اجتماعی دانست، در زندگی اجتماعی افراد چاره ای جز ابراز مودت و رحمت به یکدیگر ندارند، چرا که در غیر اینصورت بنیان اجتماع به سستی می گراید و خداوند با قرار دادن این خصلت نیکو در وجود افراد و بنیانگذاری سنت پسندیده ی ازدواج و تشکیل خانواده، هم پایه های اجتماع را استحکام بخشید و هم نیاز و میل انسان به پذیرش از سوی دیگران و ابراز دوستی را جواب داده است.

## عوامل تحکیم خانواده

خانواده به عنوان مهم ترین کانون بشری، نقشی اساسی در پیشرفت و موفقیت یک جامعه دارد، سعادت هر جامعه ای، در گرو سعادت خانواده ها در آن جامعه می باشد، هر چه خانواده نقش خود را در جامعه درست ایفاء کند، ثمره ی آن را جامعه خواهد دید، تربیت افرادی صالح و کوشا و مفید توسط خانواده، به جامعه ای پویا و بانشاط و صالح منجر می شود و اگر چیزی غیر از این باشد جامعه به فساد و تباهی مبتلا می شود. بنابراین باید هر چه بیشتر در راستای رسیدن خانواده ها به سعادت‌مندی و خوشبختی تلاش کنیم که شناسایی عوامل تحکیم خانواده نقشی مؤثر در این باره دارند.

## ۱- اعتماد و پرهیز از سوءظن

بدگمانی و بی اعتمادی از بارزترین مواردی است که سلامت روحی و روانی فرد را دچار آسیب می کند و باعث می شود که فرد با عینک بدبینی به اطرافیانش نگاه کند و سرانجام باعث از بین رفتن صمیمیت و دوستی افراد می شود. به همین خاطر است که قرآن کریم به طور صریح مؤمنان را از این امر برحذر داشته: یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن، ان بعض الظن اثم «....»

بدبینی و بدگمانی موجب می شود که واقعیت ها و حقایق آنچنان که هست برای شخص قابل درک نباشد و برداشت های ناروا از آن داشته باشد، خداوند در قرآن نیز غوطه وری در شکاکیت و بدگمانی را مایه محرومیت انسان از درک حقایق دانسته است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۲۸۵-۲۸۴)

بدگمانی باعث می شود که ارتباط صمیمی و دوستی که بین اعضای خانواده وجود دارد از بین رود. علی (ع) در سفارشی به فرزند خود امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: لَا یَعْدُمُكَ مِنْ شَفِیقٍ سَوِّءِ الظَّنِّ، بدگمانی تو را از دوست دلسوز محروم نکند. (مجلسی، ۱۹۰۴-ج ۷۷، ص ۲۱۱)

اما توجه به اصل تقوی و ایمان به خدا موجب می شود تا افراد همیشه به جنبه های مثبت رفتار دیگران توجه کنند و از بدبین بودن و بدگمانی پرهیز کنند، توجه به چنین اصلی در محیط خانواده، دوستی و صمیمیت را در بین اعضای خانواده بیشتر کرده و کانون گرم خانواده را محکم تر می کند. ضمن اینکه زوجین و فرزندان باید توجه داشته باشند علاوه بر اینکه اعتماد متقابل به هم داشته باشند، از رفتارهایی که باعث زمینه سازی بدگمانی یکدیگر می شود نیز پرهیز کنند تا درخت خانواده هر روز تنومندتر و پربارتر شود آنطور که امام علی (ع) می فرمایند:

مَنْ وَقَفَ نَفْسَهُ مَوْقِفَ التَّهْمَةِ فَلَا یَلُومَنَّ مَنْ اسَاءَ بِهِ الظَّنَّ (صدوق، ۱۳۹۰ش، ص ۳۸۰، ج ۴۸۳)

«هر کس خود را در جایگاه تهمت و بدگمانی نهد، نباید کسی را سرزنش کند که به او گمان بد برده است.»

## ۲- رازداری و وفاداری

رازداری و وفاداری از اساسی ترین معیارهای تحکیم یک خانواده می باشد، زن و مردی که در کنار هم یک خانواده را تشکیل می دهند باید در بدترین و سخت ترین شرایط اسرار یکدیگر را حفظ کرده و نسبت به هم وفادار باشند، با نگاهی به آیات قرآن کریم می بینیم خداوند حتی بعضی از زنان پیامبر (ص) را که این اصل اساسی را رعایت نمی کردند سرزنش می کند: «وَ اِذْ اَسْرَ النَّبِیِّ الِیْ بَعْضِ اَزْوَاجِهِ حَدِیْثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهٖ وَ اَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَیْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَ اَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَاَهَا بِهٖ قَالَتْ مَنَ اَنْبَاَکَ هَٰذَا، قَالَ نَبَاَنِی الْعَلِیْمُ الْخَبِیْرُ (تحریم/ آیه ۳)

«و چون پیامبر مطلبی را مخفیانه به بعضی از همسران خود گفت و آن زن آن مطلب را فاش ساخت و خدا پیامبر خود را از این افشاگری همسرش خبر داد و پیامبر بخشی از این عمل او را به وی اعلام داشت و از ذکر همه جزئیات اعراض کرد وقتی او را از این مطلب باخبر کرد آن زن گفت: چه کسی از این عمل من به تو خبر داد؟ فرمود: خدای دانا و آگاه مرا خبردار کرد. از مجموع این آیه برمی آید که بعضی همسران پیامبر(ص) نه تنها او را با سخنان خود ناراحت می کردند، بلکه مسئله ی رازداری که از مهم ترین شرایط یک همسر باوفا است نیز در آنها نبود، اما به عکس رفتار پیامبر(ص) با آنها با تمام این اوصاف چنان بزرگواری بود که حتی حضرت حاضر نشد تمام رازی که او افشا کرده بود به رخ او بکشد و تنها به قسمتی از آن اشاره کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۴، ص ۲۷۶)

لذا در حدیثی از امام علی(ع) آمده است: افراد کریم و بزرگوار هرگز در مقام احقاق حق شخصی خویش تا آخرین مرحله پیش نمی روند زیرا خداوند در اینجا برای پیامبر(ص) می فرماید: او قسمتی را خبرداد و از قسمتی خودداری کرد. طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۳۹۲)

### ۳- گذشت و چشم پوشی

گذشت و چشم پوشی از اشتباهات دیگران عاملی مؤثر در تقویت دوستی ها و رابطه ها می باشد. اگر اعضای خانواده از چنین ویژگی برخوردار باشند قطعاً رابطه ی آنها دوام بیشتری داشته و روز به روز بر عشق و علاقه ی آنها نسبت به هم بیشتر می شود، قرآن کریم در این باره می فرماید: و لا تستوی الحسنه و لا السیئه اذفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوه کأنه ولیّ حمیم. (فصلت/ ۳۴)

البته چنین چیزی نشان از تزکیه ی نفس و ایمان و تقوی بالای افراد دارد و به گفته ی بعضی مفسرین: عطا نمی کند این خصلت و صفت را مگر، کسی که صاحب بهره و نصیب بزرگی از رأی و عقل و فضائل نفسانی و قوای روحانی باشد و تزکیه ی نفس لازم است تا تلخ و شیرین در مذاقش برابر و حضور و غیاب ناروا در نظرش یکسان گردد و این برای کسانی است که بهره وافر از معرفت کردگار خواهند برد. (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۳۸)

### ۴- مهرورزی

بدون شک مهرورزی کانون خانواده را گرم و صمیمی نگه می دارد و پیوند اعضای خانواده را محکم تر می کند، اگر اعضای خانواده چه در عمل و چه در گفتار به هم عشق و محبت بورزند شاهد ماندگاری و تداوم این کانون مقدس می باشند، چنان که امیرمؤمنان علی(ع) می فرماید:

جهادُ المرأة حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن خوب شوهرداری کردن است. (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۲۰)

شوهرداری یعنی با همسر خود اخلاق نیکو داشتن، با کم و زیاد وی ساختن و توقع بیجا نداشتن از او، در چنین شرایطی مهرورزی ایجاد می شود البته این مهرورزی باید دوطرفه باشد و مرد نیز نسبت به همسرش قدردان بوده و به نیازهای عاطفی، روحی و مادی او رسیدگی نماید، در رابطه با زن و مرد خداوند متعال می فرماید: هن لباس لکم و انتم لباس لهنّ (بقره/ آیه ۱۸۷) آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها می باشید.

یعنی نقش و وظایف زن و مرد نسبت به هم باید متقابل باشد، هر دو حقوق همدیگر را بشناسند و رعایت کنند تا این رابطه هر لحظه عمیق تر و پایدارتر شود.

## ۵- صبر در مشکلات زندگی:

یکی از جاهایی که ممکن است کیان خانواده در معرض خطر قرار گیرد هنگام بروز مشکلات است؛ چه مشکلات مادی و چه مشکلات معنوی، بنابراین صبر در برابر مشکلات و مقاوم بودن در چنین موقعیت هایی می تواند بنیان خانواده را محکم کند، از نظر قرآن کریم انسان موجودی بی تاب می باشد که در هنگام گرفتاری ها احساس عجز می کند:

ان الانسان خُلِقَ هَلُوعاً، اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً (معارج/ آیات ۲۰-۱۹)

به راستی که انسان سخت آزمند و بی تاب آفریده شده است، چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند.

این بی تابی انسان خطری است که در هنگام بروز مشکلات رابطه ها را تهدید می کند، و گاهی باعث از هم گسیختگی رابطه ها می شود. بنابراین، می بینیم که صبر در چنین موقعیت هایی دارویی ثمربخش می باشد و عاملی است که انسان ها از مشکلات عبور کرده و رابطه شان را عمیق تر نمایند. خداوند متعال نیز از انسان خواسته که از صبر کمک گیرد:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (بقره/آیه ۴۵)

صبر قدرت اراده ی ایمانی و تسلط آن است بر هیجانات و انفعال های نفسانی که منشأ آن آمال و آرزوها و تأثرات بیرون از نفس می باشد، هر چه هدف و چشم اندازه ذهن بالاتر باشد، قدرت و مقاومت در برابر عوامل نفسانی بیشتر می گردد (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱ ص ۱۴۶)

در چنین شرایطی است که بنیان خانواده محکم تر شده و اعضای خانواده نسبت به هم احساس مسئولیت بیشتری دارند.

## ۶- ایمان و تقوی

از دیگر عواملی که در تحکیم خانواده نقش مؤثری دارد، ایمان و تقوی می باشد. اگر یکی از اعضای خانواده، مرد یا زن از چنین ویژگی برخوردار نباشد چه بسا که موجب لغزش طرف مقابل شود و با رواج بی دینی و بد اخلاقی در محیط خانواده، زمینه ی از هم پاشیدن آن را فراهم کنند، از همین روست که می بینیم خداوند متعال شرط ازدواج با مشرکان را ایمان آنها دانسته و فرمودند: وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَآ مَهْ مَوْنه خَیْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَا تَعْجَبْکُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِکِیْنَ حَتَّى یُؤْمِنُوا..... (بقره/ ۲۲۱)

« و با زنان مشرک و بت پرست تا ایمان نیابند ازدواج نکنید، کنیز با ایمان از زن آزاد بت پرست بهتر است هر چند امال و زیبایی او شما را به شگفتی آورد. دختران خود را نیز به مردان بت پرست مادی که ایمان نیآورده اند ندهید...»

ازدواج پایه اصلی تکثیر نسل و پرورش و تربیت فرزندان و گسترش جامعه است و محیط تربیتی خانواده در سرنوشت فرزندان فوق العاده مؤثر است. از یکسو آثار قطعی وراثت و از سوی دیگر آثار قطعی تربیت در طفولیت، زیرا نوزادان بعد از تولد غالباً در دامن پدر و مادر پرورش می یابند. از سوی دیگر شرک خمیرمایه انواع انحرافات و در واقع آتش سوزانی است هم در دنیا و هم در آخرت، لذا قرآن کریم اجازه نمی دهد که مسلمانان خود یا فرزندان خود را در این آتش بیفکنند. (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۱۳۴).

## ۷- شناخت حقوق و وظایف یکدیگر

اگر اعضای خانواده (پدر، مادر، فرزندان) از حقوق و وظایف خودشان شناخت کافی داشته باشند قطعاً آرامش بیشتری بر خانواده حاکم هست و بهتر نقش خود را در محیط خانواده ایفاء می کنند، یعنی مرد وظایف مربوط به خود (تأمین اقتصاد خانواده، دفاع از زن و فرزندان در مقابل مشکلات زندگی) را و زن خانه داری و تربیت فرزند را انجام دهد، تنش ها کمتر می شوند. اما نکته ای که نباید از آن غافل شویم این است که هر چند زن و مرد از وظیفه و حقوق خود در خانواده آشنایی دارند، اما در مواقعی پیش

می آید که این حقوق و وظایف توسط فرزندان نادیده گرفته می شوند که اینجا لازم است به حقوق فرزندان و والدین نسبت به هم اشاره کنیم.

### حق فرزند بر پدر و مادر

آیات و روایات فراوانی وجود دارد که بیان کننده ی حق فرزند بر والدین است: اولین و ابتدایی ترین حق فرزند این است که مادران باید تا دو سال تمام آنان را شیر دهند: و الوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین (بقره/۲۳۳) (مادران، فرزندان خود را تا دو سال تمام شیر دهند).

حفظ جان فرزند از دیگر وظایف والدین می باشد:

و لا تقتلوا اولادکم من خشیه املاق نحن نرزقکم و ایاکم ان قتلهم کان خطئاً کبیراً (اسماء/۳۱)

از بیم تنگدستی فرزندان خود را نکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می بخشیم، آری کشتن آنها خطا و گناهی بزرگ است. علی(ع) هم در نهج البلاغه در این مورد می فرماید: حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمهُ و یحسن ادبهُ و یعلمهُ القرآن، (نهج البلاغه/ حکمت ۳۹۹)

حق فرزند بر پدرش این است که نام نیک برایش انتخاب کند و خوب تربیتش نماید و قرآن را به او بیاموزد.

### حق والد بر فرزند

در بیان حق پدر و مادر بر فرزند همین بس که قرآن کریم می فرماید:

و قضی ربک ألا تعبدوا الا ایاهُ و بالوالدین إحساناً إما یبُلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ کُلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا افٍ و لَا تَنْهَرْهُمَا و قُلْ لَهُمَا قَوْلًا کریمًا، و اخفض لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ و قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیَانِی صَغِيرًا، (اسری/۲۴-۲۳)

و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچ کس را نپرستید و درباره ی پدر و مادر نیکویی کنید و چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند که موجب رنج و زحمت شما باشند زنهار کلمه ای که رنجیده خاطر شوند مگوئید و کمترین آزار به آنها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن بگوئید و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا چنانکه پدر و مادر مرا از کودکی به مهربانی پروردند، تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما.

در این آیات پس از حق خداوند حق تربیت و سرپرستی والدین یادآوری شده که مکمل کار آفرینش می باشد تا بوالدین که رو به ناتوانی می روند و از محیط زندگی دور می شوند احسان و نیکی به عمل آورند و به پاداش زحمات آنان از هیچگونه محبت درباره ی آنان خودداری ننمایند. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱ش، ج ۲، ص ۲۹۵)



## نتیجه گیری

خانواده از مهم ترین و مقدس ترین کانون های مورد توجه اسلام و قرآن کریم می باشد که دین مبین اسلام فرمان به تشکیل این کانون گرم داده، خانواده کوچک ترین و شاید اصلی ترین نهاد اجتماعی است که غفلت از آن می تواند بنای آن را سست و در نتیجه یک جامعه را سست کند، از سوی دیگر استحکام و سرزندگی خانواده، منجر به داشتن یک جامعه ی سالم و سرزنده می شود. عوامل مختلفی در تحکیم خانواده نقش دارند که: ایمان و تقوی - شناخت حقوق و وظایف یکدیگر، صبر در مشکلات زندگی - اعتماد و پرهیز از سوء ظن - گذشت و چشم پوشی - رازداری و وفاداری از مهم ترین آنها می باشد. البته رعایت این اصول و عوامل باید از طرف همه ی اعضای خانواده مورد توجه قرار گیرد، نه اینکه فقط زن یا مرد یا حتی فرزندان به تنهایی خود را مؤظف به رعایت این معیارها کنند، در چنین شرایطی می توان به پویایی، نشاط و رشد یک خانواده امیدوار بود.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه شیروانی، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ هشتم - ۱۳۸۶ شمسی.
- ۳- شیخ صدوق، ابن بابویه، الامالی، ترجمه محمدباقر کمره ای، چاپ ششم، انتشارات کتابچی
- ۴- ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحرير و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ قمری، ۳۰ جلد.
- ۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء، بیروت، بیجا، ۱۹۰۴ قمری، ۱۱۰ جلد.
- ۶- محدث نوری، محمدحسین، مستدرک الوسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ قمری.
- ۷- شعیری، شیخ تاج الدین، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ شمسی.
- ۸- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان، بیجا، ۱۳۶۱ شمسی.
- ۹- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انوار درخشان، تهران - کتابفروشی لطفی - چاپ اول - ۱۴۰۴ قمری، ۱۸ جلد.
- ۱۰- خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران، اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰ قمری، ۸ جلد.
- ۱۱- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ شمسی، ۲۰ جلد.
- ۱۲- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۱ شمسی، ۲۸ جلد.
- ۱۳- طالقانی، سیدمحمد، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۲ شمسی.
- ۱۴- شیخ صدوق، ابن بابویه، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دهم، ۱۴۰۳ قمری.